

یکشنبه 08 آذر 1405 - 06:48

اثبات پیوند عقل فلسفی و وحی قرآنی ملاصدرا از سوی پژوهشگر کانادایی

پژوهشگر کانادایی، در کتاب «هرمنوتیک ملاصدرا؛ تأملات فلسفی در باب غلبه رحمت الهی»با محوریت تفسیر سوره فاتحه‌الکتاب، پیوندهای میان فلسفه، عرفان و وحی را در منظومه فکری ملاصدرا آشکار کند.

پژوهشگر کانادایی، در کتاب «هرمنوتیک ملاصدرا؛ تأملات فلسفی در باب غلبه رحمت الهی»با محوریت تفسیر سوره فاتحه الکتاب، پیوندهای میان فلسفه، عرفان و وحی را در منظومه فکری ملاصدرا آشکار کند.

به گزارش خبرنگار مهر، محمد رستم، پژوهشگر کانادایی مطالعات اسلامی، استاد اندیشه اسلامی و فلسفه جهانی در دانشگاه کارلتون و مدیر اجرایی مؤسسه توکات است. او در سال ۱۹۸۰ در منطقه اسکاربرو در استان انتاریوی کانادا متولد شد و دوران رشد خود را در ریچموند هیل، در شمال تورنتو، گذراند. خانواده او از مهاجران دارالسلام تانزانیا و از جامعه خواجه ها هستند، جامعه ای با پیشینه تاریخی جنوب آسیایی و پیوندهای فرهنگی و خانوادگی با مناطقی چون گجرات و کراچی. بدین ترتیب، پیشینه خانوادگی رستم در پیوند میان شرق آفریقا و جنوب آسیا شکل گرفته و زندگی و فعالیت علمی او در بستر فرهنگی و دانشگاهی کانادا ادامه یافته است.

رستم، تحصیلات دانشگاهی خود را در حوزه مطالعات اسلامی و اندیشه اسلامی پی گرفت و در سال ۲۰۰۹ مدرک دکتری اندیشه اسلامی را از دانشگاه تورنتو دریافت کرد. حوزه های پژوهشی او فلسفه اسلامی، عرفان و تصوف، مطالعات قرآنی، هرمنوتیک و فلسفه تطبیقی را دربرمی گیرد. توجه ویژه او به حکمت متعالیه ملاصدرا و سنت عرفانی ابن عربی، در آثار و پژوهش هایش جایگاه برجسته ای دارد. او همچنین در پروژه های علمی مرتبط با مطالعات قرآنی، از جمله مجموعه پژوهشی و تفسیری The Study Quran، مشارکت داشته است. از آثار شناخته شده رستم می توان به کتاب The Triumph of Mercy: Philosophy and Scripture in Mullā Ṣadrā اشاره کرد که در سال ۲۰۱۲ منتشر شد و در فارسی با عنوان «هرمنوتیک ملاصدرا: تأملات فلسفی در باب غلبه رحمت الهی» ترجمه شده و به همت نشر فلات و مجمع فلاسفه ایران در سال جاری منتشر شد. این کتاب که ریشه در رساله دکتری نویسنده در دانشگاه تورنتو دارد، پژوهشی درباره نسبت میان فلسفه، تفسیر قرآن و عرفان در اندیشه صدرالمتألهین است.

از تفسیر سوره فاتحه تا بازخوانی منظومه فکری ملاصدرا

نقطه عزیمت رستم در این پژوهش، تفسیر ملاصدرا بر سوره فاتحه الکتاب است، سوره ای که به دلیل جایگاه محوری آن در عبادات و جهان بینی قرآنی مسلمانان، ظرفیت ویژه ای برای بررسی مبانی فکری و معرفتی مفسر دارد.

نویسنده با تمرکز بر این متن تفسیری می کوشد نشان دهد که ملاصدرا صرفاً فیلسوفی نظام ساز نیست که در آثار فلسفی خود به طرح مباحث وجودشناختی و متافیزیکی پرداخته باشد، بلکه او حکیمی مفسر است که در مواجهه با قرآن، مبانی فلسفی و عرفانی خود را به کار می گیرد و در عین حال، از متن وحی برای تعمیق و بسط تأملات فلسفی اش بهره می برد.

ایده محوری کتاب آن است که در اندیشه ملاصدرا، میان عقل فلسفی و وحی قرآنی جدایی بنیادینی وجود ندارد. فلسفه صرفاً ابزاری برای دفاع از آموزه های دینی یا توضیح عقلانی مفاهیمی نیست که پیش تر از طریق وحی دریافت شده اند، بلکه یکی از راه های نفوذ به لایه های عمیق تر معنای وحی و فهم مراتب باطنی آن به شمار می رود. در این رویکرد، تفسیر قرآن فعالیتی مستقل و جدا از فلسفه ورزی نیست، بلکه عرصه ای برای پیوند و تعامل میان برهان عقلی، شهود عرفانی و معرفت وحیانی است.

برهان، شهود و وحی، سه راه دسترسی به حقیقت

رستم در بخش های آغازین کتاب به مبانی معرفت شناختی و روش شناختی حکمت متعالیه می پردازد. او توضیح می دهد که ملاصدرا سه منبع بنیادین معرفت، یعنی برهان عقلی، کشف و شهود عرفانی و وحی قرآنی را در برابر یکدیگر قرار نمی دهد، بلکه آن ها را راه ها و مراتب متفاوت دسترسی به حقیقتی واحد می داند. از این منظر، عقل و وحی دو قلمرو متعارض نیستند و شهود عرفانی نیز در تقابل با استدلال فلسفی قرار نمی گیرد. در چنین نگرشی، قرآن تنها متنی برای قرائت ظاهری نیست، بلکه دارای لایه های گوناگون معنایی است که با مراتب وجود تناسب و هماهنگی دارد. همان گونه که هستی در حکمت صدرایی دارای مراتب و درجات است، کلام الهی نیز از ظاهر و باطن و سطوح مختلف معنا برخوردار است.

بنابراین، فهم عمیق متن مقدس مستلزم برخورداری از دانش زبانی و تفسیری، توانایی فلسفی برای درک مراتب وجود و آمادگی معنوی برای دریافت حقایق باطنی است. این تلقی از هرمنوتیک، تفسیر را از سطح توضیح واژگان و مفاهیم فراتر می برد و آن را به نوعی مواجهه وجودی و معرفتی با حقیقت تبدیل می کند. مفسر در این چارچوب تنها به معنای ظاهری آیات بسنده نمی کند، بلکه می کوشد نسبت میان زبان قرآن و ساختار هستی را دریابد.

تأثیر سنت عرفانی ابن عربی بر تفسیر ملاصدرا

اهمیت اثر محمد رستم را باید در تلاشی جست وجو کرد که برای بازخوانی پیوند درونی میان ساحت های مختلف اندیشه ملاصدرا صورت می دهد. در بسیاری از بررسی های مربوط به حکمت متعالیه، توجه اصلی به آثار فلسفی مشهور صدرالمتألهین، به ویژه «اسفار اربعه»، معطوف است، در حالی که آثار تفسیری او نیز برای شناخت مبانی و ابعاد گوناگون منظومه فکری اش اهمیت فراوان دارند.

رستم با محور قرار دادن تفسیر سوره فاتحه نشان می دهد که برای فهم فلسفه صدرایی نمی توان فلسفه، عرفان و تفسیر قرآن را قلمروهایی کاملاً مستقل از یکدیگر در نظر گرفت. این حوزه ها در اندیشه ملاصدرا در ارتباطی زنده و متقابل قرار دارند و فهم هر یک می تواند به شناخت عمیق تر دو حوزه دیگر کمک کند.

تسلط نویسنده بر متون عربی، فلسفه اسلامی، عرفان ابن عربی و سنت های کلامی، به او امکان داده است تا روابط میان متون و مفاهیم را با دقت دنبال کند. البته کتاب به دلیل ماهیت تخصصی مباحث و تکیه بر مفاهیم پیچیده فلسفی و عرفانی، برای خواننده مبتدی چندان آسان نیست. همچنین تمرکز بر تفسیر یک سوره، هرچند عمق تحلیل را افزایش داده، دامنه بررسی را به موضوعی مشخص محدود کرده است.

در مجموع، «هرمنوتیک ملاصدرا» پژوهشی است درباره چگونگی پیوند عقل فلسفی، شهود عرفانی و وحی قرآنی در حکمت متعالیه، اثری که نشان می دهد تفسیر قرآن در اندیشه ملاصدرا نه فعالیتی حاشیه ای، بلکه یکی از عرصه های مهم ظهور و بسط جهان بینی فلسفی اوست. محمد رستم از رهگذر بررسی سوره فاتحه می کوشد نشان دهد که در ژرف ترین لایه های اندیشه صدرایی، هستی با رحمت آغاز می شود، حرکت به سوی کمال در پرتو آن معنا می یابد و مسئله فرجام موجودات نیز باید با توجه به نسبت بنیادین رحمت و غضب فهمیده شود.

یکی دیگر از محورهای مهم پژوهش، بررسی تأثیر آموزه های ابن عربی و سنت عرفانی پس از او بر اندیشه تفسیری ملاصدراست. رستم نشان می دهد که ملاصدرا در تفسیر سوره فاتحه از میراث فکری و عرفانی پیشینیان خود، به ویژه ابن عربی، بهره می گیرد و مفاهیمی چون تجلی، وحدت وجود، حقیقت شرک و اعتقاد و مراتب رحمت الهی را در چارچوب دستگاه فلسفی خویش بازپردازی می کند.

در این میان، ملاصدرا صرفاً ناقل اندیشه های ابن عربی نیست، بلکه مفاهیم عرفانی را در نسبت با مبانی وجودشناختی و فلسفی خود صورت بندی می کند. از این رو، مطالعه تفسیر سوره فاتحه فرصتی برای شناخت نحوه تعامل حکمت متعالیه با سنت عرفان نظری و چگونگی انتقال و تحول مفاهیم در این دو سنت فکری فراهم می آورد. ساختار کتاب نیز این رویکرد را دنبال می کند. پژوهش پس از بررسی پیشینه مطالعاتی و هرمنوتیکی ملاصدرا و نقد برخی برداشت های پژوهشگران پیشین از فلسفه اسلامی متأخر و آثار قرآنی او، به مباحث موضوعی وارد می شود.

فصل های کتاب موضوعاتی همچون هرمنوتیک قرآنی، ملاحظات صوری و روش شناختی، متافیزیک، جهان شناسی، الهیات و نجات شناسی را در بستر تفسیر سوره فاتحه بررسی می کنند. رحمت الهی، محور هستی شناسی و نجات شناسی صدرایی یکی از مهم ترین مباحث کتاب، جایگاه رحمت الهی در نظام فکری ملاصدراست، موضوعی که عنوان اثر نیز بر آن تأکید دارد.

رستم با بررسی تفسیر ملاصدرا از سوره فاتحه، به ویژه دو نام «رحمان» و «رحیم»، می کوشد نشان دهد که رحمت در اندیشه صدرایی صرفاً یکی از صفات الهی در کنار صفات دیگر نیست، بلکه در فهم اصل وجود، نظام آفرینش و فرجام موجودات نقشی بنیادین دارد.

از منظر ملاصدرا، وجود به خودی خود خیر است و برخورداری از هستی، نخستین جلوه رحمت الهی به شمار می آید. هیچ موجودی پیش از آنکه از فیض وجود بهره مند شود، به عرصه هستی قدم نمی گذارد. بر این اساس، عالم را باید تجلی پیوسته فیض و رحمت الهی دانست.

رستم در این زمینه به تمایز میان رحمت رحمانیه و رحمت رحیمیه می پردازد. رحمت رحمانیه، رحمتی فراگیر و تکوینی است که همه موجودات را دربرمی گیرد و اصل وجود آن ها را امکان پذیر می سازد، در حالی که رحمت رحیمیه با هدایت، کمال و بازگشت آگاهانه موجودات به سوی خداوند ارتباط دارد. این تمایز، درک عمیق تری از نسبت میان آفرینش، کمال و سرنوشت نهایی موجودات به دست می دهد.

در چنین چارچوبی، عالم نه صحنه ای بی معنا و صرفاً محل آزمون و کیفر، بلکه عرصه ظهور و تجلی مستمر خیر و رحمت است. هستی از رحمت آغاز می شود و حرکت موجودات به سوی کمال نیز در پرتو همین فیض و رحمت معنا پیدا می کند. غلبه رحمت بر غضب و مسئله سرنوشت اخروی انسان اوج مباحث کتاب در بررسی معادشناسی و نجات شناسی ملاصدرا آشکار می شود.

رستم با تکیه بر اصل غلبه رحمت بر غضب، پیامدهای این آموزه را برای فهم عذاب اخروی و سرنوشت نهایی انسان بررسی می کند. در این چارچوب، اگر رحمت الهی حقیقتی فراگیر و بنیادین باشد و غضب در نسبت با آن جایگاهی محدودتر و تابع شرایط خاص داشته باشد، مسئله عذاب اخروی نیز باید در پرتو همین نسبت بازخوانی شود.

نویسنده نشان می دهد که در تفسیر ملاصدرا، می توان به برداشتی از جهنم رسید که آن را صرفاً مجازات و انتقام ابدی نمی بیند، بلکه برای آن وجهی تطهیرکننده و درمانی نیز قائل است، مرحله ای که نفس انسانی از آثار تاریک و ناسازگار خود عبور می کند. این مباحث به مسئله انقطاع عذاب و امکان شمول نهایی رحمت الهی بر موجودات مربوط می شوند. البته باید توجه داشت که طرح این مسئله در کتاب، در چارچوب بازسازی و تفسیر محمد رستم از مبانی ملاصدرا صورت می گیرد و نباید آن را بدون توضیح، به عنوان نتیجه ای قطعی و مورد اتفاق در تفسیر اندیشه صدرایی معرفی کرد.

اهمیت این بحث در آن است که نشان می دهد چگونه یک مبنای هستی شناختی، یعنی اصالت و فراگیری رحمت، می تواند به حوزه معادشناسی و فهم سرنوشت اخروی انسان گسترش یابد. ضمیمه ها، امکان مقایسه مستقیم متون ملاصدرا و ابن عربی یکی از ویژگی های قابل توجه کتاب، ضمیمه های آن است که ارزش پژوهشی اثر را افزایش می دهند.

در پایان کتاب سه ضمیمه گنجانده شده است، ترجمه بخش هایی از «مفاتیح الغیب»، ترجمه بخش عمده ای از تفسیر سوره فاتحه الکتاب ملاصدرا و نیز ارائه متون برگزیده از «فتوحات مکیه» ابن عربی در کنار بازنویسی های ملاصدرا. این ضمیمه ها به خواننده امکان می دهند که صرفاً به تحلیل و گزارش نویسنده اکتفا نکند، بلکه با مراجعه به متن های اصلی، نحوه بهره گیری ملاصدرا از میراث ابن عربی و چگونگی بازپردازی مفاهیم عرفانی در تفسیر خود را دنبال کند. در کنار این ضمیمه ها، کتاب شامل نتیجه گیری، یادداشت ها، کتاب شناسی و نمایه آیات قرآنی، احادیث و اصطلاحات نیز هست.